



دانشگاه باقرالعلوم (ع)

( غیر دولتی - غیر انتفاعی )

دانشگاه باقرالعلوم علیه اسلام

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: مدرسی معارف اسلامی / مبانی نظری اسلام

عنوان:

## بررسی تحلیلی نقش شناخت امام در کمال انسان

استاد راهنما:

دکتر یارعلی کرد فیروزجایی

استاد مشاور:

دکتر محمد مهدی قائمی

نگارش:

علی ملک

بهمن 1394



g

## دانشگاه باقر العلوم علیه اسلام

پایان نامه جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد

رشته: مدرسی معارف اسلامی / مبانی نظری اسلام

عنوان:

# بررسی تحلیلی نقش شناخت امام در کمال انسان

استاد راهنما:

**دکتر فیروزجایی**

استاد مشاور:

**دکتر قائمی**

نگارش:

**علی ملک**

بهمن 1394

## تقدیم

يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا الضُّرُّ وَ جِنَّا بِيضَاعَةَ مُرْجَاةٍ  
فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

یوسف/88

السلام علی مهدی الامم و جامع الکلم ، السلام علی  
القائم المنتظر و العدل المشتهر، السلام علی ربیع  
الانام و نظرة الايام، السلام علی المهدي الذي  
وعدالله- عز و جل - به الامم ان يجمع به الکلم و یلم  
به الشعث و یملا به الارض قسطا و عدلا...

سلام بر مهدی امتها و یکی کننده قلبها، سلام بر قائم منتظر و عدل همه جا گستر، سلام بر بهار زندگی  
انسان و طراوت روزگاران، سلام بر مهدی که خدا به امتها آمدن او را نوید داده است تا به دست او  
همه را پیرو یک دین سازد، و طرح اتفاق بر همه جهان اندازد...

## تقدیر و تشکر

خداوند متعال را سپاسگذارم به خاطر این همه نعمت و این که به رغم بضاعت ناچیز و با وجود همه موانع، توفیق یافتم تا این پژوهش را به سرانجام برسانم. همچنین بر خود لازم می دانم از همه عزیزانی که در به انجام رسیدن این اثر نقش داشتند صمیمانه قدردانی کنم؛ خصوصاً از اساتید محترم حجت الاسلام و المسلمین **دکتر فیروزجائی** و **دکتر قائمی** که راهنمایی و مشاوره این پایان نامه را بر عهده داشتند و این بنده حقیر را در طول تدوین این پایان نامه همراهی نمودند. از جناب **دکتر عبدی** که داوری این پایان نامه را نیز بر عهده داشتند نیز کمال قدردانی و تشکر را دارم.

همچنین از خانواده عزیزم تقدیر و تشکر می کنم که در این مدت با صبر و شکیبایی خود مرا همراهی کردند.

## چکیده:

شناخت امام معصوم علیه السلام به عنوان یکی از ارکان معرفت دینی و رساننده انسان به کمال از دیرباز در لسان دین مطرح بوده و همچنان نیز ادامه دارد؛ تا حدی که مرگ جاهلی، جزاء کسی قرار داده شده است که امام را نشناسد و با همین حالت از دنیا برود. در اینکه منظور این روایت چیست تعبیر و تفاسیر مختلفی مطرح شده است که بیشتر ناظر به مباحث کلامی است که البته روایات هم این مسئله را تایید می کنند؛ چون مفروض الطاعة بودن به عنوان تفسیر این معرفت در غالب موارد به چشم می خورد.

ما در این پایان نامه با نگاه متفاوتی به این مسئله پرداخته ایم و فرایند تاثیر گذاری معرفت امام بر کمال انسان را مورد بررسی قرار داده ایم. در یک بخش به رابطه وجودی معرفت امام و کمال انسان پرداخته شده که در آن با مدد جستن از مباحث فلسفی به خصوص مباحث علم و عالم و معلوم، این رابطه را تبیین کرده ایم. در بخش دیگر به رابطه معرفت شناختی و اخلاقی این دو پرداخته ایم که در آن، نقش شناخت امام در زمینه سازی معرفتی و عملی رسیدن به کمال مورد بررسی قرار گرفته است. شناخت امام، هم در ایجاد انگیزه برای رسیدن به مقصود نهایی و هم در شناسایی مسیر کمال، نقش به سزایی دارد. در این پژوهش با توجه به اینکه هدف، بررسی رابطه وجودی و اخلاقی میان معرفت امام و کمال انسان است، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است.

**کلید واژه:** شناخت امام، کمال انسان، نفس، معرفت، کمال وجودی، کمال اخلاقی

## فهرست مطالب

### 1 فصل اول: کلیات و مفاهیم .....

#### 1 گفتار اول: کلیات .....

1- بیان مسأله .....

2- اهمیت و فایده تحقیق .....

3- سابقه تحقیق .....

4- اهداف تحقیق .....

5- روش تحقیق .....

6- سوال اصلی .....

7- سوالات فرعی .....

8- فرضیه تحقیق .....

#### 6 گفتار دوم: مفاهیم .....

1- معرفت .....

1-1- تفاوت معرفت و علم .....

1-2- تفاوت معرفت و حکمت .....

2- امام .....

2-1- در لغت .....

2-2- در اصطلاح .....

2-3- امام در این پایان نامه .....

3- کمال .....

3-1- کمال در لغت و تفاوت آن با تمام .....

3-2- کمال در اصطلاح .....

3-3- تفاوت کمال با سعادت .....

### ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED. فصل دوم: مبانی انسان شناختی رابطه شناخت امام با کمال

1- ماهیت و ویژگی های انسان .....

1-1- انسان موجودی دو ساحتی .....

1-2- ناطقیت، فصل انسان از دیگر موجودات .....

1-3- ظرفیت مظهریت اسماء الهی .....

2- نفس .....

2-1- تعریف نفس .....



- 2-2- انواع نفس ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-3- قوای نفس ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-3-1- جدول قوای نفس ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-4- موارد استعمال نفس ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-5- نظریات در چگونگی تکامل نفس ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-5-1- بازیابی کمالات پیشین ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-5-2- ارتقاء روحی نفس ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-5-3- فعلیت یافتن نفس و تکامل عرضی آن ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-5-4- استکمال جوهری نفس انسانی ..... Error! Bookmark not defined.
- 2-6- جمع بندی بحث نفس ..... Error! Bookmark not defined.
- 3- کمال ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.
- 3-1- انواع کمال ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-1-1- کمال اول و کمال ثانی ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-1-2- کمال اخلاقی و کمال وجودی ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-1-3- کمال‌های اختیاری و غیراختیاری ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-1-4- کمال علمی و کمال عملی ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-2- کمال نهایی انسان ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-2-1- آرای فلاسفه درباره کمال انسان ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-2-2- وجه اشتراک نظریه حکمای اسلامی ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-2-3- وجه افتراق نظریه‌های حکمای اسلامی ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-3- مراتب کمال ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-3-1- مراتب تکاملی نفس در کلام صدرالمتألهین ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-3-2- عقل عملی و مراتب تکامل آن ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-3-3- عقل نظری و مراتب تکامل آن ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-3-3-1- عقل هیولانی ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-3-3-2- عقل بالملکه ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-3-3-3- عقل بالفعل ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-3-3-4- عقل بالمستفاد ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-4- مصادیق کمال ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-5- راه‌های رسیدن به کمال ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-5-1- ضرورت علم و عمل برای رسیدن به کمال ..... Error! Bookmark not defined.
- 3-5-2- عوامل موثر در راهیابی به کمال ..... Error! Bookmark not defined.

- Error! Bookmark not defined.** ..... 3-5-2-1- توجّه به مبدأ و معاد
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3-5-2-2- اراده
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3-5-2-3- علوم و معارف الهی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3-5-2-4- ذکر و یاد پروردگار
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3-5-2-5- تفکر در آیات و نشانه‌های الهی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3-5-2-6- انجام اعمال جوارحی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3-5-2-7- تزکیه نفس و اعتدال مزاج
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3-5-2-8- ارتباط با خلیفه الله
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3-5-2-9- عشق و محبت به خدا و مُحبِّ خدا
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3-6- موانع کمال
- Error! Bookmark not defined.** ..... 3-7- جمع بندی بحث کمال

## فصل سوم: مبانی معرفت‌شناختی رابطه شناخت امام با کمال. ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.** ..... 1- تعریف علم و معرفت و شناخت
- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.** ..... 2- انواع معرفت
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2-1- علم مکاشفه و علم معامله
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2-2- معرفت حصولی و معرفت حضوری
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2-2-1- علم حضوری
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2-2-2- علم حصولی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 2-3- معرفت حسی؛ خیالی؛ وهمی و عقلی
- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.** ..... 3- مراتب و منشأ معرفت
- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.** ..... 4- ارکان معرفت
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4-1- عالم (نفس)
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4-1-1- قوای ادراکی نفس انسانی
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4-2- علم و معلوم
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4-2-1- حقیقت علم و معلوم بالذات و معلوم بالعرض
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4-3- اتحاد علم و عالم و معلوم
- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.** ..... 5- قلمرو معرفت
- ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.** ..... 6- شرایط و موانع معرفت
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-1- شرایط حصول حکمت (معرفت عالی)
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-1-1- طهارت باطن
- Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-1-2- تقوا

**Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-1-3- عبودیت

**Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-1-4- اخلاص

**Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-1-5- همراهی علم و حلم

**Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-1-6- استفاده از معادن حکمت

**Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-2- موانع حصول حکمت

**Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-2-1- زنگار دل و عوامل آن

**Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-2-2- حب دنیا

**Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-2-3- رذائل اخلاقی

**Error! Bookmark not defined.** ..... 4-6-2-4- افعال نامناسب

**7- جمع بندی فصل سوم.** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

**ارتباط فصل دوم و سوم (رابطه شناخت با کمال)** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

**فصل چهارم: معرفت امام و رابطه آن با کمال انسان.** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

**گفتار اول: معرفت امام.** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

**1- معنای معرفت امام** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

**2- امکان معرفت امام** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

**3- ابعاد و مراتب معرفت امام** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

**3-1- معرفت به اسم** ..... Error! Bookmark not defined.

**3-2- معرفت به نعت و صفت** ..... Error! Bookmark not defined.

**3-2-1- معرفتی که از طریق شنیدن اوصاف حاصل می شود** ..... Error! Bookmark not defined.

**3-2-2- معرفتی که از طریق دیدن و مشاهده اوصاف حاصل می شود** ..... Error! Bookmark not defined.

**3-2-3- معرفتی که از طریق چشیدن و درک بدون واسطه اوصاف حاصل می شود** ..... Error! Bookmark not defined.

**3-3- معرفت بالنورانیة** ..... Error! Bookmark not defined.

**4- وجوب معرفت امام** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

**5- راه های معرفت امام.** ..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

**5-1- مقدم بودن تسلیم و تصدیق و تطهیر بر معرفت.** ..... Error! Bookmark not defined.

**5-1-1- روایت اول (تسلیم، تصدیق، معرفت)** ..... Error! Bookmark not defined.

**5-1-2- روایت دوم (تسلیم، تطهیر، معرفت)** ..... Error! Bookmark not defined.

**5-1-3- معنای تسلیم و سلم و تصدیق و تطهیر** ..... Error! Bookmark not defined.

**5-2- شناخت امام بعد از شناخت نبی** ..... Error! Bookmark not defined.

**5-3- اشکال و جواب** ..... Error! Bookmark not defined.

**5-3-1- اشکال:** ..... Error! Bookmark not defined.

Error! Bookmark not defined. ....: جواب: 2-3-5

6- آثار معرفت امام .....

گفتار دوم: رابطه شناخت امام با کمال انسان .....

1- بررسی رابطه وجودی شناخت امام و کمال انسان .....

1-1-1- مقدمات و لوازم بحث .....

1-1-1- حرکت جوهری و اشتدادی نفس .....

1-1-2- کمال حقیقی انسان .....

1-1-3- حقیقت علم .....

1-1-4- اتحاد نفس با صورت های ادراکی .....

1-1-5- نقش مرتبه وجودی معلوم در ارتقای مرتبه وجودی عالم .....

1-1-6- تشکیکی بودن حقیقت نوریه امام معصوم علیه السلام و حضور در همه مراتب وجود .....

1-1-7- ائمه معصومین علیهم السلام واسطه فیض در علوم و معارف هستند .....

2-1- جمع بندی .....

2- بررسی رابطه معرفت شناختی شناخت امام و کمال انسان .....

2-1- اصول موضوعه بحث .....

2-1-1- رابطه معرفت و انگیزش .....

2-1-2- وظایف عبد در مسیر بندگی .....

2-1-3- آنچه از ائمه معصومین در دسترس است .....

2-1-4- ابعاد و مراتب شناخت امام .....

2-2- آثار کلی معرفت امام .....

2-2-1- رابطه معرفت امام با معرفت الله .....

2-2-2- رابطه معرفت امام با عبودیت .....

2-2-3- رابطه معرفت امام با صراط مستقیم .....

2-2-4- رابطه معرفت امام و رسیدن به حکمت .....

2-3- آثار خاص معرفت امام .....

2-3-1- ولایت امام .....

2-3-1-1- معنای ولایت .....

2-3-1-2- اقسام ولایت .....

2-3-1-3- رابطه ولایت و کمال .....

2-4- جمع بندی .....

خاتمه و نتیجه گیری .....

منابع:..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

فارسی..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

عربی..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

مقالات و پایان نامه ها..... ERROR! BOOKMARK NOT DEFINED.

## فصل اول: کلیات و مفاهیم

### گفتار اول: کلیات

#### 1- بیان مسأله

معرفت و شناخت، یکی از ارکان کمال انسان به حساب می آید؛ تا حدی که اساسا بدون شناخت نمی توان به کمال رسید. این شناخت حیطة گسترده ای دارد؛ اما یکی از اساسی ترین و مهم ترین آنها شناخت هر فرد نسبت به امام زمانش است. روایات ما نیز بین این شناخت و کمال گره زده اند و مرگ جاهلی را نتیجه عدم چنین شناختی می دانند. اینکه چه رابطه ای بین شناخت امام با کمال وجود دارد را می توان از جهات مختلف مورد بحث و بررسی قرار داد.

ما در این پژوهش در صدد تبیین دو جنبه از این ارتباط هستیم: یک جنبه آن مربوط به رابطه وجودی و هستی شناسانه است و جنبه دیگر آن ناظر به رابطه اخلاقی و معرفت شناسانه.

در بررسی رابطه وجودی، می خواهیم این مسئله را مورد بحث قرار دهیم که آیا علم پیدا کردن به چیزی منجر به کمال وجودی می شود یا خیر؟ اگر بله، آیا اینکه معلوم ما چه باشد، در میزان ارتقای مرتبه وجودی عالم تاثیر دارد یا نه؟ فرضیه ما این است که بله چنین ارتباطی وجود دارد و برای همین علم پیدا کردن به امام، از آن جهت که دارای عالی ترین مرتبه وجودی است می تواند منجر به کسب عالی ترین کمالات وجودی شود. البته به این مسئله هم خواهیم پرداخت که چنین تاثیر نیاز به لوازمی هم دارد و صرف علم به تنهایی منجر به چنین کمالی نمی شود؛ چنانچه علم شیطان به امام معصوم، تاثیری در ارتقای مرتبه وجودی او ندارد.

در بررسی رابطه اخلاقی، دیگر بحث ما هستی شناسانه نیست؛ بلکه یک بحث اخلاقی و معرفت شناختی است. در این بخش به این مسئله خواهیم پرداخت که شناخت امام چه نقشی در رسیدن ما به کمال دارد. چرا و چگونه شناخت امام و اوصاف و ویژگی‌های او، منجر به شکل‌گیری اوصاف اخلاقی، تقویت ایمان و اعتقاد و عمل به دستورات دینی می‌شود؟

هر چه شناخت ما نسبت به امام بیشتر و عمیق‌تر باشد، به همان نسبت دستبازی و مددجویی ما از آن نور قدسی بیشتر و مسیر کمال برای ما هموارتر خواهد شد. این شناخت در نخستین مرحله در اعتقاد و باور انسان ظهور می‌کند؛ یعنی در سویدای قلب خود از یکسو بزرگواری و جلال و عظمت او را حس می‌کند و از سوی دیگر از نیازمندی و مسکنت خویش آگاهی می‌یابد. در مرحله دوم، آثار این شناخت و تعظیم نفسانی، در گفتار، عبادات، خضوع، خشوع، توبه، انابه، اصرار و الحاح به درگاه الهی، موضع‌گیری‌های شخصی، خانوادگی و اجتماعی و بی‌نقش دانستن خود در برابر خداوند و حقیر و ناچیز شمردن دیگران و... بروز و ظهور خواهد کرد.

## 2- سوال اصلی

شناخت امام چه تاثیری در کمال انسان‌ها دارد؟

## 3- سوالات فرعی

معرفت امام به چه معناست؟

تکامل انسان از چه راه‌هایی محقق می‌شود؟

رابطه معرفت با کمال چیست؟

## 4- اهمیت و فایده تحقیق

مسئله امامت از جنبه‌های مختلفی مورد بررسی قرار گرفته است؛ منتها در این بین جای برخی مباحث مثل مسئله رابطه وجودی و اخلاقی شناخت امام با کمال انسان خالی و یا کمرنگ است. در متون دینی بر رابطه شناخت امام با کمال انسان، هم از جنبه ایجابی و هم سلبی تاکید فراوانی شده است. جنبه ایجابی آن این است که شناخت امام پلی است برای رسیدن به کمال و جنبه سلبی آن این است که اساساً بدون شناخت امام، رسیدن به کمال میسر و ممکن نخواهد

بود. از این رو انکار و یا نادیده گرفتن چنین رابطه ای، به معنای بستن راه کمال است که نتیجه آن مورد اتهام واقع شدن هدف از خلقت آفرینش است. لذا ضروری است که مبانی این مسئله با دقت بیشتری مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد. بنابراین پرداختن به این بحث از این رو لازم است که اولاً از لحاظ علمی با تبیین این مسئله، رابطه انواع معرفت به خصوص معرفت امام با کمال انسان روشن و تثبیت می شود و ثانیاً از لحاظ عملی راه رسیدن به کمال به وسیله شناخت امام تبیین خواهد شد.

### 5- سابقه تحقیق

آنچه حقیر در تحقیقات خود یافتیم، این بود که هر چند مبانی این مسئله در منابع فلسفی و روایی و عرفانی موجود است؛ اما بحث رابطه معرفت امام با کمال انسان به طور خاص کمتر به چشم می خورد؛ به خصوص جنبه هستی شناسانه این مسئله؛ چون غالباً از جنبه معرفت شناسانه آن مورد بررسی قرار گرفته است. مثلاً جناب دکتر بنی هاشمی در کتاب *معرفت امام عصر علیه السلام* گفته اند شناخت امام در شناخت اسمی منحصر نیست و با استناد به حدیث من مات و لم یعرف امام زمانه ...<sup>1</sup> سعی کرده اند رابطه شناخت امام با شناخت الله و همچنین نقش این شناخت در بندگی و عبودیت را ترسیم کنند. نتیجه ایشان این بوده که وظیفه انسان در مقابل امام این است که اولاً جایگاه امام را بشناسد و سپس تسلیم آن شود. این رویکرد موجب تقویت ایمان و تسلیم شدن در مقابل اوامر الهی شده و موجبات قرب الی الله را فراهم خواهد کرد<sup>2</sup> که این همان جنبه معرفت شناسانه بحث است. البته مباحث ایشان مطابق گفته خودشان در مقدمه این کتاب، صرفاً روایی است. همچنین آقای اسکویی در کتاب *معرفت امام همین جنبه را مورد بررسی قرار داده اند*.<sup>3</sup> آقای ربانی گلپایگانی در مقاله ای با عنوان *تحلیل و بررسی مرگ جاهلی و معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف* به هر دو جنبه اشاره ای گذرا کرده اند؛ منتها به طور مبسوط وارد این بحث نشده اند. ایشان در این مقاله به ضرورت معرفت امام اشاره کرده اند و گفته اند معنای اینکه "کسی که امام زمان خود را نشناسد به مرگ جاهلی مرده است" این است که اولاً

<sup>1</sup> محمد باقر بن محمد تقی مجلسی، بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، 111 جلد، چاپ دوم، بیروت، دار إحياء التراث العربي، 1403 ق، ج 23، ص 78

<sup>2</sup> سید محمد بنی هاشمی، معرفت امام عصر علیه السلام، یک جلد، چاپ چهارم، تهران، انتشارات نیک معارف، 1384

<sup>3</sup> محمد بیابانی اسکویی، معرفت امام و نبی، یک جلد، چاپ اول، نشر نبأ، 1392



ثواب و عقاب اخروی، مبتنی بر شناخت و اعتقاد به امامت است و ثانیاً شناخت خدا و احکام و دستورات دینی نیز با شناخت امام و از طریق امام حاصل میشود.<sup>۱</sup> همچنین آیت الله جوادی آملی در کتاب *ادب فنای مقربان*،<sup>۲</sup> کتاب *حیات حقیقی انسان در قرآن*<sup>۳</sup> و کتاب *صورت و سیرت انسان در قرآن*<sup>۴</sup> و ... به طور پراکنده مطالبی را در باب معرفت و لزوم شناخت امام مطرح کرده‌اند؛ اما تمرکز این مباحث در شناخت امام با این رویکرد نبوده است.

## 6- اهداف تحقیق

هدف از این تحقیق نگاهی نسبتاً متفاوت به رابطه شناخت امام با کمال انسان است. ما در این پایان‌نامه از دو جهت به رابطه شناخت امام با کمال انسان خواهیم پرداخت. یکی رابطه وجودی و دیگری رابطه معرفت‌شناختی است. در بحث رابطه وجودی، هدف این است که فرآیند تاثیرگذاری شناخت بر نفس و در نتیجه چگونگی کمال نفس را مورد بررسی قرار دهیم. این یک بحث وجودی است. در بخش دوم ما به رابطه معرفت‌شناختی شناخت امام با کمال انسان می‌پردازیم و هدف ما این است که بگوییم چگونه معرفت امام می‌تواند زمینه رسیدن به کمال را فراهم کند؛ کمالی که با علم و عمل و مزین شدن به صفات نیک و بری شدن از صفات ناپسند و تقرب بیش از پیش به خداوند متعال به دست می‌آید.

البته این بخشی از اهداف پرداختن به این موضوع است. اهداف دیگری مثل مقابله با کسانی که سعی دارند با پایین آوردن رتبه و مقام امام معصوم او را در حد یک انسان عادی جلوه داده و حجابی بین امام و انسان کشیده تا اغراض شیطانی خود را پیاده سازند از جمله آنهاست که این پایان‌نامه به نوبه خود به این مسئله خواهد پرداخت.

<sup>۱</sup> علی ربانی گلپایگانی، تحلیل و بررسی مرگ جاهلی و معرفت به امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف، انتظار موعود، سال دوازدهم، شماره 38، پاییز 1391، ص 7 تا 28

<sup>۲</sup> عبدالله جوادی آملی، ادب فنای مقربان، 6جلد، چاپ چهارم، قم، مرکز نشر اسراء، 1385

<sup>۳</sup> عبدالله جوادی آملی، حیات حقیقی انسان در قرآن (ج15 تفسیر موضوعی)، یک جلد، چاپ دوم، قم، نشر اسراء، 1384

<sup>۴</sup> عبدالله جوادی آملی، صورت و سیرت انسان در قرآن (ج14 تفسیر موضوعی)، یک جلد، چاپ دوم، قم، نشر اسراء، 1381

## 7- روش تحقیق

در این پژوهش با توجه به اینکه هدف، بررسی رابطه وجودی و اخلاقی میان معرفت امام و کمال انسان است، از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است. در بخش توصیفی، پژوهشگر می‌کوشد تا مفاهیم مرتبط با معرفت و کمال را در منابع فلسفی و روایی و عرفانی جستجو و توصیف کند. سپس به تحلیل و تبیین داده‌های گردآوری شده از این منابع در جهت تطبیق رابطه معرفت امام علیه السلام با کمال انسان پرداخته و نتیجه را از مجموع این مباحث بیان می‌کند.

در این پژوهش هم از منابع دست اول و هم از منابع دست دوم استفاده می‌شود که البته تا حد امکان ارجاعات منابع دست دوم به دست اول حفظ خواهد شد.

## 8- فرضیه تحقیق

فرضیه این است که بین شناخت امام و کمال انسان هم رابطه وجودی برقرار است و هم رابطه معرفت‌شناختی و اخلاقی.

## 9- سازماندهی تحقیق

این پایان‌نامه از چهار فصل تشکیل شده است. در فصل اول کلیات و مفاهیم مطرح می‌شود. در فصل دوم به مبانی انسان‌شناختی رابطه شناخت امام با کمال انسان خواهیم پرداخت. در این فصل ابتدا ماهیت انسان و ویژگی‌های آن را بیان می‌کنیم و سپس بحث نفس و کمال را به طور مفصل تبیین خواهیم کرد. اینکه اساسا نفس و کمال چیست و مکانیزم کمال انسان به چه صورت است، اصل و اساس موضوع ما را تشکیل می‌دهد؛ چون ما تا زمانی که ندانیم کمال انسان چگونه حاصل می‌شود، بحث در مورد رابطه شناخت با کمال بی‌معناست.

موضوع پایان‌نامه بررسی رابطه‌ای است که بین معرفت امام و کمال انسان وجود دارد. از این رو به همان اندازه که بحث از کمال و نفس ضرورت دارد، تبیین بحث معرفت و مکانیزم شناخت در انسان نیز لازم و ضروری است. از این رو فصل سوم را به مبانی معرفت‌شناختی رابطه شناخت امام با کمال انسان اختصاص داده‌ایم. تعریف علم و معرفت؛ انواع معرفت؛ مراتب و ارکان و قلمرو و شرایط و موانع معرفت از جمله بحث‌هایی است که به آن خواهیم پرداخت.

نهایتاً در فصل چهارم، در یک گفتار بحث معرفت امام را مطرح می‌کنیم که اساساً معرفت امام چیست و چگونه حاصل می‌شود و سپس در گفتار دوم این فصل، رابطه شناخت امام با کمال انسان را از دو حیث رابطه وجودی و رابطه معرفت‌شناختی مورد ارزیابی قرار خواهیم داد.

## گفتار دوم: مفاهیم

### 1- معرفت

واژه معرفت با واژگانی مانند علم؛ ادراک؛ فهم؛ دانش، شناخت و ... معنای همسویی دارد و در معرفت‌شناسی معمولاً به یک معنا به کار می‌روند؛ هر چند در علوم دیگر ممکن است هر کدام قیود خاصی را به خود اختصاص دهند.<sup>۱</sup> لذا با اینکه ممکن است در بعضی موارد به یک معنا استعمال شده باشند و مستعمل آنها به تفاوت معنایی این واژگان التفاتی نداشته باشد؛ اما گاهی این تفاوت‌ها مورد توجه و دقت نویسندگان قرار می‌گیرد و مطابق همان، واژه‌ای از این واژگان را استعمال می‌کنند و اساساً همین استعمالات منجر به این شده که لغویون به تفاوت‌های این واژگان پردازند؛ مثلاً واژه ادراک، گاهی اوقات به معنای مصدری به کار برده می‌شود که در این صورت به فرایند و راه شناخت اطلاق می‌شود و گاهی نیز به معنای اسم مصدری به کار می‌رود که در این صورت به نتیجه این فرایند گفته می‌شود و در نتیجه با واژگان علم و معرفت و شناخت، هم‌معنا می‌شود.<sup>۲</sup>

### 1-1- تفاوت معرفت و علم

در مورد واژه علم و معرفت هم، چنین تفاوتی وجود دارد که بعضی از لغت‌دانان به آن پرداخته‌اند. البته نظرات ارائه شده در این باب بعضاً متعارض یا متفاوتند. لذا ما از ورود مفصل در این بحث دامنه دار پرهیز می‌کنیم و فقط به چند نکته اشاره می‌کنیم.

<sup>۱</sup> مرتضی رضایی و احمد حسین شریفی، درآمدی بر معرفت‌شناسی {دروس استاد غلامرضا فیاضی}، یک جلد، چاپ اول، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، تابستان ۱۳۸۶، ص ۵۴

<sup>۲</sup> حسین احمدی، ادراک حسی به مثابه راه شناخت از منظر محقق طوسی و شهید مطهری (رهما)، رساله کارشناسی ارشد فلسفه، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ه)، شهریور ۱۳۸۷، ص ۱-۲۷

هر چند در تعریف اصطلاحی در مورد علم و معرفت گفته می‌شود که این دو از امور بدیهی بوده و قابل تعریف نیستند؛ چون شناخت هر چیزی به علم و معرفت است و چیزی ظاهرتر از این دو نیست که این دو را به ما بشناساند،<sup>1</sup> اما از جهت لغوی راغب در مفردات، در واژه عَرَفَ، به تفاوت معرفت با علم اشاره کرده است و گفته است: معرفت، شناختن شیء است با تفکر و تدبّر در آثار آن شیء، و آن اخصّ از علم است. لذا می‌گویند فلانی به خدا معرفت دارد و نمی‌گویند به خدا علم دارد؛ چون شناخت خدا با تفکر در آثار اوست. و می‌گویند خدا به موجودات علم دارد و نمی‌گویند معرفت دارد؛ زیرا معرفت در علم قاصری که با تفکر بدست می‌آید بکار می‌رود.<sup>2</sup> همین مطلب در قاموس القرآن، ذیل واژه عَرَفَ، هم آمده است که عرفان نسبت به علم، شناخت ناقصی است و آن از تفکر در آثار شیء ناشی می‌شود.<sup>3</sup>

بنابراین با توجّه به استعمال واژه معرفت و علم در آیات و روایات اهل بیت علیهم السلام و اقوال لغویین چنین به نظر می‌رسد که اولاً معرفت در مقابل علم، آگاهی ناقصی است؛ یعنی نسبت بین آنها، نسبت نقص به کمال است و به عبارتی، علم، آن نوع آگاهی است که همراه با احاطه کامل وجودی باشد و معرفت، آن نوع آگاهی است که یا همراه با احاطه وجودی نیست و یا همراه با احاطه وجودی ناقص است. ثانیاً معرفت بر خلاف علم، مسبوق به تفکر و تدبّر در آثار است.<sup>4</sup>

لذا اگر این تعریف را بپذیریم، در مورد معرفت امام هم باید چنین مسئله‌ای را پذیرفت و قائل به این شد که شناخت ما نسبت به امام معصوم، معرفت است؛ نه علم که در واقع هم همین است؛ یعنی احاطه وجودی کامل بر امام ممکن نیست. با این حال رویکرد این پایان‌نامه در مورد کاربرد علم و معرفت تقریباً رویکرد همسویی معنایی است و علم و معرفت به یک معنا به کار

<sup>1</sup> ابوالحسن شعرانی، کشف المراد شرح تجرید الاعتقاد، یک جلد، چاپ هفتم، تهران، کتابفروشی اسلامیة، 1372 ه.ش، ص 315

<sup>2</sup> حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، یک جلد، چاپ اول، بیروت، دار الشامیة، 1412 ه.ق، ص 561-560

<sup>3</sup> علی اکبر قرشی بنابی، قاموس قرآن، 7 جلد، چاپ ششم، تهران، دار الکتب الإسلامیة، 1371 ه.ش، ج 4، ص 326

<sup>4</sup> لطف الله صافی گلپایگانی، معرفت حجت خدا، شرح دعای اللهم عرفنی نفسک، یک جلد، چاپ اول، قم، انتشارات حضرت معصومه سلام الله علیها، دیماه 1375، ص 31 و

گرفته شده‌اند. علت آن هم این است که اگر ما علم را به معنای معرفت به کار می‌گیریم به خاطر این است که از علمی صحبت می‌کنیم که دارای مراتب است و این علم دارای مراتب، معرفت را هم که مرتبه ناقص علم به معنای احاطه وجودی عالم بر معلوم است را شامل می‌شود. با این تبیین می‌توان گفت انسان به امام علم پیدا می‌کند؛ اما نه به معنای احاطه وجودی کامل؛ بلکه به معنای مرتبه پایین تری از علم که در لغت معرفت نامیده می‌شود.

## 2-1- تفاوت معرفت و حکمت

حکمت دو کاربرد قرآنی و فلسفی دارد. این واژه در کاربرد فلسفی گاه به معنایی عام و مرادف با علم و مطلق دانش به کار رفته و بر تمام علوم و فنون و هنرها اطلاق شده است؛ گاه به معنای خاص و به منزله فلسفه و دانشی تلقی شده است که حقایق هستی را، در حد امکانات و توانایی فاهمه بشر، مکشوف می‌سازد؛ گاه به معنای اخص و مرادف با بخشی از فلسفه، یعنی حکمت نخستین، فلسفه اولی و الهیات، است؛ و گاهی نیز به منزله فضیلت قوه ناطقه به کار رفته است.<sup>1</sup>

در کاربرد قرآنی نیز حکمت به معنای نوعی از علم و آگاهی به کار رفته است که به یافتن حقیقت منتهی شود و مطابق با واقع باشد.<sup>2</sup> به عبارتی حکمت ملکه ای علمی، اعتقادی و عملی است که مطابق با نظام تکوین، فطرت و دین الهی بوده و بطلان ناپذیر باشد و انسان را در مسیر رشد و تکامل قرار دهد و هیچ فسادی بر آن مترتب نگردد.<sup>3</sup>

با این تبیین روشن شد که حکمت، هم به معنای علم و معرفت به کار می‌رود و هم معنای اختصاصی خود را دارد. در این پایان‌نامه نیز اگر حکمت بدون قید آمده باشد با علم و معرفت

<sup>1</sup> برای مطالعه مفصل بحث مراجعه کنید به: بابک عباسی، حکمت (2)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، قابل دسترسی در: <http://www.ensani.ir/fa/content/79965/default.aspx>، 29 آذر 1394

<sup>2</sup> محمد حسین طباطبایی، ترجمه تفسیر المیزان، محمد باقر موسوی، 20 جلد، چاپ پنجم، قم، جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر انتشارات اسلامی، 1374 ه.ش. ج 2، ص 607

<sup>3</sup> ر.ک: پرسمان دانشجویی، حکمت چیست؟، قابل دسترسی در: <http://maaref.porsemani.ir/comment/reply/1522>، 29 آذر 1394

مترادف خواهد بود و اگر هم معنایی غیر از این مد نظر باشد حتما توضیح آن همراه با استعمالش خواهد آمد.

## 2- امام

### 2-1- در لغت

امام در لغت به معنای مقدم و پیشوا بودن است؛ چه مستحق این تقدیم باشد و چه نباشد.<sup>1</sup> همین تعریف را معجم المقاییس؛ محیط اللغة و کتاب العین البته بدون قید آخر آن آورده است: *کلُّ من اقتدی به و قُدِّم فی الأمور.*<sup>2</sup>

### 2-2- در اصطلاح

در اصطلاح نیز تعاریف متعدد و زیادی، هم از سوی اندیشمندان شیعی و هم اهل سنت در مورد امام وجود دارد که البته تا حدودی به هم نزدیک هستند. مثلا شیخ مفید در تعریف امام می‌گوید: «الإمام هو الإنسان الذي له رئاسة عامة في أمور الدين و الدنيا نيابة عن النبي صلى الله عليه و آله»<sup>3</sup>؛ امام انسانی است که به نیابت از نبی، در امور دینی و دنیوی ریاست عامه (ریاست در تمام امور) دارد. همین تعریف را علامه حلی در کتاب *الباب الحادی عشر* آورده است.<sup>4</sup> گفتنی است تعریف سایر متکلمان شیعی هم نزدیک به همین است.<sup>5</sup> با این حال برخی هم به این تعریف اشکالاتی گرفته‌اند و قید دیگری را اضافه کرده‌اند. به عنوان مثال خواجه نصیر امامت را اینگونه تعریف کرده است: «الامام هو الانسان الذي

<sup>1</sup> جمعی از نویسندگان، شرح المصطلحات الكلامية، یک جلد، چاپ اول، مشهد، آستان قدس رضوی، 1415 قمری، ص 37؛ همین تعریف با عبارات تقریبا مشابه در کتب لغوی نیز آمده است: مفردات راغب: و الإمام: المؤتم به، إنسانا كأن یقتدی بقوله أو فعله، أو کتابا، أو غیر ذلك محققا کان أو مبطلا؛ لسان العرب: و الإمام: کل من اتتم به قوم کانوا علی الصراط المستقیم أو کانوا ضالین

<sup>2</sup> احمد بن فارس، معجم مقاییس اللغة؛ خلیل بن احمد فراهیدی، کتاب العین؛ صاحب بن عباد، کافی الکفاة، اسماعیل بن عباد، محیط فی اللغة ذیل واژه «أمم» یا «أم»

<sup>3</sup> محمد بن محمد مفید، النکت الاعتقادیة، یک جلد، چاپ اول، قم، کنگره شیخ مفید، 1413 ق، ص 39

<sup>4</sup> حسن بن یوسف حلی، الباب الحادی عشر، یک جلد، چاپ اول، تهران، موسسه مطالعات اسلامی، 1365، ص 10

<sup>5</sup> برای تفصیل بیشتر ر.ک: محمد حسین فاریاب، معنا و چیستی امامت در قرآن سنت و آثار متکلمان، یک جلد، چاپ اول، قم، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، 1390، ص 393-404

له الرئاسة العامة في الدين و الدنيا بالأصالة في دار التكليف»<sup>1</sup>. ایشان قید بالاصالة را به خاطر این اضافه کرده است که تعریف اول مانع اغیار نیست و نایبان امام مثل کسی که در یک شهر به نیابت از امام ریاست عامه را بر عهده می‌گرفت شامل می‌شد؛ در حالی که به او امام اطلاق نمی‌شد.

در مقابل، دانشمندان اهل سنت نیز تعاریفی از امامت ارائه کرده‌اند که تقریباً شبیه به تعریف اندیشمندان شیعی است. به عنوان مثال تفتازانی در این باره می‌نویسد: «و هي (ای الامامة) رئاسة عامة في أمر الدين و الدنيا خلافة عن النبي (صلى الله عليه و سلم)»<sup>2</sup>؛ امامت به معنای جانشینی پیامبر در ریاست در امور دین و دنیاست.<sup>3</sup>

هر چند به ظاهر این تعاریف بهم شبیه هستند؛ اما این به معنای یکی بودن نظرات شیعه و اهل تسنن در مسئله امامت نیست و تفاوت آنها را باید در رویکرد هر یک از آنها در مسئله امامت جستجو کرد. به طور خلاصه می‌توان گفت امامت در ادبیات کلامی اهل سنت به اجرای احکام دین و نیز تشکیل حکومت جهت ایجاد نظم اجتماعی استوار است؛ در حالی که به باور امامیه، امام افزون بر وظیفه اجرای دین، مسئول تبیین و تفسیر دین نیز می‌باشد.<sup>4</sup>

البته تعریفی که از متکلمان اهل تسنن و حتی امامیه نیز نقل شد، تعریفی است که بیشتر به بعد حاکمیت سیاسی تاکید دارد و تعریفی جامع از حقیقت امامت نیست. تعریف جامع از امامت آنگاه حاصل می‌شود که دیگر شئون امامت نیز در نظر گرفته شود. شهید مطهری به این مسئله اشاره می‌کند و می‌گوید نباید طوری باشد که تا مسئله امامت مطرح می‌شود به اشتباه بگوییم این همان مسئله حکومت است و در نتیجه خیلی ساده انگارانه به بررسی شرایط امام مثل افضل بودن و خائن نبودن و سیاست مدار بودن و مسائل فقهی دانستن و ... پردازیم و یکی عده‌ای هم

<sup>1</sup> خواجه نصیر الدین طوسی، رسائل خواجه نصیر الدین طوسی، یک جلد، چاپ دوم، بیروت، دار الأضواء، 1405 ق، ص 426

<sup>2</sup> سعد الدین تفتازانی، شرح المقاصد، 5 جلد، چاپ اول، افسس قم، الشریف الرضی، 1409 ق، ج 5، ص 232

<sup>3</sup> برای تفصیل بیشتر ر.ک: معنا و چیستی امامت در قرآن سنت و آثار متکلمان، همان، ص 404-407

<sup>4</sup> محمد حسین فاریاب، بررسی انطباق شئون امامت در کلام امامیه (از شیخ مفید تا فاضل مقداد) بر قرآن و سنت، رساله دکتری کلام اسلامی، قم، موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، بهمن 1392، ص 25-27

بگویند نظر ما این است که حاکم فقط به سیاست و تدبیر نیاز دارد و دیگر شئون آن لازم نیست. چنین مباحثی نتیجه این است که ما این مسأله را فقط در سطح خیلی کوچک و در حد حکومت گرفته‌ایم و این، اشتباه بسیار بزرگی است که احیاناً قدما (بعضی از متکلمین) هم گاهی چنین اشتباهی را مرتکب می‌شدند و امروزه هم این اشتباه خیلی تکرار می‌شود؛ در حالی که مسأله حکومت از فروع و یکی از شاخه‌های خیلی کوچک مسأله امامت است و این دو را نباید با یکدیگر مخلوط کرد.<sup>1</sup>

### 3-2- مفهوم امام در این پایان نامه

تا اینجا تعاریف کلامی امامت مطرح شد؛ اما مراد از امام در این پایان‌نامه مصداق امام به معنای عامش است که شامل نبی، رسول، ولی و امام خاص می‌شود که از ویژگی‌های ولایت و تصرف برخوردار است؛ پس سمت و سوی مباحث امامت در این پایان‌نامه صرفاً کلامی نیست تا برای اثبات امامت، آن هم به معنای رهبر سیاسی و حاکم جانشین رسول خدا صلی الله علیه و آله به آیات و روایات و واقعیت‌های تاریخی استناد شود.

شناخت امام و نقش آن در تکامل انسان در این پایان‌نامه، در دو حیطه وجودی و معرفت‌شناختی بحث می‌شود. در هر دو حیطه امام به عنوان انسان کامل و خلیفه خدا و واسطه فیض با ویژگی‌هایی مثل ولایت تکوینی مورد بحث قرار می‌گیرد. بنابراین هر جا «امام» به کار می‌رود منظور همان انسان کامل یا **خليفة الله** است؛ خواه حاکم فعلی باشد یا نباشد. این معنا از «امام» همانی است که مورد تایید قرآن کریم نیز می‌باشد. قرآن کریم امامت را منحصر در راهنما و روشن گر طریق بودن نمی‌داند؛ بلکه علاوه بر آن امام را هادی باطنی نیز معرفی می‌کند. اعطای مقام امامت به حضرت ابراهیم گواهی بر همین معناست؛ چراکه حضرت ابراهیم به واسطه نبوت هدایت تشریحی را بر عهده داشت. لذا اگر امامت هم معنایی فراتر از هدایت تشریحی نداشته

<sup>1</sup> مرتضی مطهری، مجموعه آثار، 27 جلد، (چاپ منتشر شده در نرم افزار نور)، قم، انتشارات صدرا، بیتا، ج4، ص 858



باشد، اعطای این مقام لغو و بیهوده خواهد بود؛ در حالی که خداوند متعال بری از این مسئله است.<sup>۱</sup>

### 3- کمال

#### 3-1- کمال در لغت و تفاوت آن با تمام

در تعریف لغوی واژه کمال می توان لغت دانان را به دو دسته تقسیم کرد. یک دسته کمال را به معنای تمام گرفته اند و دسته دیگر بین تمام و کمال فرق گذاشته و معنای متفاوتی را برای کمال بیان کرده اند. *لسان العرب* کمال را به تمام معنی می کند و می گوید: «الکَمال: التَّمام، و قيل: التَّمام الذي تَجَزَّأ منه أجزاءه».<sup>۲</sup> معجم مقاییس اللغة هم همین معنا را آورده است: «الكاف و الميم و اللام أصلٌ صحيحٌ يدلُّ على تمام الشيء. يقال: كَمَل الشيء و كَمَل فهو كاملٌ، أي تامٌّ».<sup>۳</sup>

اما عده ای بین تمام و کمال تفاوت گذاشته اند و معتقدند مرتبه کمال یک شیء، فراتر از تمام آن است و بعد از تمامیت شیء محقق می شود. *مصباح المنیر* می گوید: «كَمَل: الشيء كَمُومًا مِنْ بَابِ قَعَدَ وَ الْأَسْمُ (الکَمال) وَ يُسْتَعْمَلُ فِي الذَّوَاتِ وَ فِي الصِّفَاتِ يُقَالُ (كَمَل) إِذَا تَمَّتْ أَجْزَاؤُهُ وَ (كَمَلت) مَحَاسِنُهُ»؛<sup>۴</sup> واژه کمال اسم از ماده «کم» است که در ذوات و صفات به کار می رود و هنگامی که گفته می شود چیزی کامل شد، بدین معناست که اجزایش تمام و زیبایی های ش کامل شد.

راغب اصفهانی نیز کمال شی را به حصول غرض از آن شی می داند که بعد از تمامیت آن است<sup>۵</sup> و تمام شیء را رسیدن به حدی می داند که دیگر نیازی به چیزی بیرون از خود نداشته باشد.<sup>۶</sup> زبیدی در *تاج العروس* نیز علاوه بر اینکه به همین معنا اشاره می کند، می گوید: «کمال چیزی افزون تر از تمام است ... کمال عبارت است از تمام بعلاوه امری بیشتر. پس کمال اخص از

<sup>۱</sup> ر.ک: محمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، 20 جلد، چاپ دوم، بیروت، مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1390 ق، ج 1، ص 272؛ همان، ج 14، ص 304، ذیل آیه 73 سوره مبارکه انبیاء «أَيُّمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا»

<sup>۲</sup> محمد بن مکرم ابن منظور، لسان العرب، ذیل واژه کمال

<sup>۳</sup> معجم مقاییس اللغة، ذیل واژه کمال

<sup>۴</sup> احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی، ذیل واژه کمال

<sup>۵</sup> حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات ألفاظ القرآن، ذیل واژه «کمال»

<sup>۶</sup> همان، ذیل واژه «تمم»

تمام است ... وقتی گفته می شود چیزی کامل شد بدین معناست که مقصود از آن حاصل شد.<sup>۱</sup> نیز گفته اند: تمام، غالباً در کمیات استعمال می شود و کمال در کیفیات.<sup>۲</sup>

با این تفاسیر در جمع بین اینها می توان گفت کمال شیء در جهت عمودی مطرح می شود و مفهوم «ارتقاء» در آن مندرج است؛ ولی تمام در جهت افقی طرح می شود. وقتی شیء در جهت افقی به حد نهایی خود برسد، می گویند تمام شد و زمانی که در جهت عمودی بالا برود گفته می شود آن شیء کمال یافت.<sup>۳</sup>

### 2-3- کمال در اصطلاح

طبق تعریف لغوی کمال و کاربرد آن در علوم مختلف، به طور کلی می توان گفت کمال به معنای اشتداد وجودی یک موجود و افزون تر شدن آن است؛ منتها به دلیل اینکه کمال در جاهای مختلف و به صورت های متفاوتی به کار رفته است، لذا تعریف های اصطلاحی بیشتر ناظر به همان کاربرد خاص است. مثلاً در یک جا کمال به کمال اول و کمال ثانی تقسیم شده و تعریف آن هم مطابق همین استعمال صورت گرفته است که در بحث های آتی به آن خواهیم پرداخت.

در علم اخلاق و عرفان هم کمال را با همین رویکرد معنا کرده اند. در نتیجه براساس دیدگاهی کلی و ابتدایی، در اخلاق «عدالت» و در عرفان «رسیدن به مرتبه لقاءالله و فنای در او» را کمال نهایی انسان بیان کرده اند<sup>۴</sup> که این بحث در فصل بعد به طور مفصل خواهد آمد.

با این حال به نظر می رسد بهترین تعریفی که ناظر به بحث ماست همان تعریف فلسفی کمال است که آیت الله مصباح یزدی اینگونه بیان کرده اند: «کمال حقیقی هر موجود عبارت است

---

<sup>1</sup> محمد مرتضی حسینی زبیدی، تاج العروس من جواهر القاموس، ماده «تمم» و «کمل»  
<sup>2</sup> حسن مصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، 14 جلد، چاپ اول، تهران، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، 1368 ش، ص 395، ماده «تمم»  
<sup>3</sup> ر.ک: مرتضی مطهری، انسان کامل در مجموعه آثار، ج 23، ص 97-99؛ همان، اصول فلسفه و روش رئالیسم در مجموعه آثار، ج 6، ص 770-771  
<sup>4</sup> غلامحسین گرامی، انسان در اسلام، یک جلد، چاپ چهارم، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها دفتر نشر معارف، 1384، ص 148

از صفت یا اوصافی که فعلیت اخیرش اقتضای واجد شدن آن را دارد و امور دیگر در حدی که برای رسیدن به کمال حقیقی اش مفید باشند، کمال مقدمی خواهند بود.<sup>1</sup>

طبق این تعریف اولاً کمال صفتی وجودی است که موجودی به آن متصف می شود و حاکی از دارایی و غنای حقیقی یک موجود است؛ ثانیاً فعلیت اخیر آن موجود اقتضای واجد شدن چنین صفتی را دارد و ثالثاً بین این صفت با فعلیت اخیر همان موجود باید سنخیت وجود داشته باشد تا کمال محسوب شود. با این قیود وقتی از کمال انسان بحث می کنیم دیگر نمی توانیم اوصافی را که با صورت نوعیه حیوان یا نبات سنخیت دارد را به عنوان کمال انسان در نظر بگیریم؛ بلکه فقط اوصافی برای انسان کمال محسوب می شوند که با صورت نوعیه انسان و نفس ناطقه انسانی که فعلیت اخیر انسان است سازگاری و سنخیت داشته باشند.

نکته آخری که از تعریف لغوی و اصطلاحی کمال اخذ می شود این است که کمال یک امر نسبی است؛ یعنی اگر بر فرض سرعت را برای اتومبیل کمال به حساب آوریم، هر چه سرعت بیشتر شود، اتومبیل کامل تر شده است و چون سرعت نهایت ندارد، کمال نیز نهایی نخواهد داشت. در مورد انسان هم همین مسئله عیناً مطرح است. تقرب به خدا که به عنوان کمال نهایی انسان مطرح می شود، دارای مراتب بوده و نهایی برای آن تصور نمی شود؛ چون اساساً وجود دارای مراتب است و عالی ترین مرتبه وجود که خداوند متعال است، نهایت ندارد. اما اینکه چرا از کمال نهایی انسان بحث می شود به خاطر این است که ما کمال را به صفت وجودی تعریف کردیم و رسیدن به آن صفت می شود کمال نهایی انسان و این منافاتی با بی نهایت بودن و دارای مراتب بودن آن صفت ندارد.<sup>2</sup>

### 3-3- تفاوت کمال با سعادت

طبق تعریفی که از کمال ارائه شد، مشخص شد که کمال یک امر نسبی است و شامل اشتداد وجودی در هر مرتبه ای می شود. لذا اگر بخواهیم در مورد کمال انسان یا هر موجود دیگر بحث کنیم باید دو کمال برای او در نظر بگیریم. یکی کمال نسبی است که در همه مراتب

<sup>1</sup> محمد تقی مصباح یزدی، به سوی خودسازی، یک جلد، چاپ چهارم، قم، انتشارات موسسه امام خمینی (ره)، 1384، ص 36؛ همان، خودشناسی برای خودسازی، یک جلد، چاپ سیزدهم، قم، انتشارات موسسه امام خمینی (ره)، 1386، ص 14

<sup>2</sup> ر.ک: همین رساله، بحث کمال نهایی انسان

وجودی او وجود دارد و دیگری کمال نهایی است که غایت کمال انسان یا آن موجود به حساب می آید.

از این کمال نهایی در مواردی به سعادت تعبیر شده است. به عنوان مثال صدرا در موارد فراوانی از غایت کمال انسان با این واژه نام برده است؛<sup>۱</sup> چراکه در تعریف سعادت گفته اند: «سعادت عبارت است از وصول هر شخصی از طریق حرکت ارادی خود، به کمالی که در نهاد وی نهفته است».<sup>۲</sup> همچنین صدرالمتألهین می گوید: «سعادت هر شیء همان نهایت کمالی است که به مقتضای فطرتش برای او ممکن است».<sup>۳</sup>

---

<sup>۱</sup> ر.ک: اسفار، ج ۵، ص ۳۴۸؛ صدرالمتألهین، تفسیر القرآن الکریم، ج ۱، ص ۱۲۷ و ۳۰۴ و ج ۲، ص ۳۳۲ و ج ۵، ص ۲۲۵ و ج ۶، ص ۱۰۳؛ همان، الشواهد الربوبیه، تعلیق سید جلال الدین آشتیانی، ص ۳۲۷؛ همان، المبدأ و المعاد، تصحیح آشتیانی، ص ۶۲۳؛ همان، مفاتیح الغیب، قدم له: محمد خواجوی، ج ۲، ص ۶۷۳، همان، اسرار الآیات، مقدمه و تصحیح خواجوی، ص ۹۱؛ نقل از مهدی عبدالهی، کمال نهایی انسان و راه تحصیل آن از دیدگاه فیلسوفان اسلامی، یک جلد، چاپ اول، قم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره)، ۱۳۹۰، ص ۵۲-۵۳

<sup>۲</sup> محمد مهدی نراقی، جامع السعادات، ۳ جلد، چاپ اول، بیروت، مؤسسة التاریخ العربی، ۱۴۲۵ق، ج ۱، ص ۳۶

<sup>۳</sup> صدرالمتألهین، شرح اصول کافی، تصحیح محمد خواجوی، ۴ جلد، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی، ۱۳۸۳، ج ۴، ص ۳۶۵